

چرائی اولتیماتوم سرمایه و چشم‌انداز جنبش کارگری

اعتراضات و اعتصابات کارگری پیوسته در حال افزایش است. به رغم تشدید فشارهای امنیتی و توسل بیش از پیش طبقه حاکم به سرکوب خشن و عریان کارگران و فعالان کارگری، اما اعتصابات کارگری هم به لحاظ کمی و هم از نظر کیفی، از رشد و ارتقاء چشم‌گیری برخوردار شده است. ده‌ها و صدها اعتصاب کارگری در سراسر کشور، گویای حضور فعال کارگران در صحنه مبارزه و گویای این واقعیت است که طبقه کارگر، نه می‌خواهد و نه می‌تواند ساکت و آرام بنشیند و انتظار پیشه کند. تمام "تدبیر" حسن روحانی برای کارگران که هیچ‌گونه "امید"ی به وی نبسته بودند، تشدید فشارهای اقتصادی و امنیتی، وخیم‌تر شدن شرایط کار و زندگی، افزایش اخراج‌ها، تشدید ناامنی شغلی و تشدید بی‌حقوقی و سرکوب عریان بوده است. اگر که سایر جنبش‌های اجتماعی در هاله‌ای از انتظار فرو رفته و هنوز نوعی سکوت و خاموشی بر آن‌ها حاکم است، اما تنگناهای اقتصادی و واقعیت‌های سرسخت زندگی، مجالی برای غرق شدن کارگران در انتظارات بیهوده باقی نگذاشته و جنبش کارگری در جوش و خروش است. کارگران در کارخانه‌ها و بخش‌های مختلف، برای بهبود شرایط کار و زندگی و برای رهایی از وضعیت موجود دست به مبارزه می‌زنند و به اعتصاب متوسل می‌شوند. جنبش کارگری یگانه جنبش فعال و پیگیر نبرد قطعی با طبقه حاکم در صحنه است. ده‌ها اعتصاب کارگری در سراسر کشور و شرکت هزاران کارگر در آن در نیمه اول بهمن، از جمله اعتصاب کارگران کارتن‌سازی، کشتی‌سازی صدرا، یخچال‌سازی ایران پویا، تراکتورسازی، سیمان آبیگ، نساجی کاشان، سیمان لوشان، پتروشیمی فجر، اعتصابات مکرر پلی‌اکریل، ایران تایر، شرکت کیسون و اعتصابات متعدد و مستمر کارگران معدن سنگ‌آهن چادرملو گویای همین واقعیت است.

گسترش اعتصابات کارگری و اعتلاء بیشتر جنبش طبقاتی کارگران، آرامش رژیم سرمایه‌داران را برهم زده و بورژوازی حاکم را شدیداً به هراس افکنده است. طبقه سرمایه‌دار و رژیم سیاسی پاسدار منافع آن، برای خاموش ساختن جنبش طبقاتی کارگران و ممانعت از گسترش اعتصابات و اعتلاء بیشتر مبارزات کارگری، سرکوبی خشن و سیستماتیک و تعرض همه‌جانبه‌ای را علیه طبقه کارگر سازمان داده‌اند. بازداشت و اخراج ده‌ها تن از فعالان کارگری چادرملو، پلی‌اکریل، سیمان لوشان، فراپاکس، سیمان استهبان به خاطر شرکت در تجمعات و اعتصابات و پیگیری خواست کارگران، معرفی برخی از این کارگران به دستگاه قضایی و محاکمه آن‌ها، تماماً در همین رابطه است. بازداشت فعالان کارگری البته موضوع جدیدی نیست. پیش از این نیز ده‌ها فعال کارگری بازداشت و حتی در دادگاه‌های فرمایشی رژیم بی‌سر و صدا محاکمه و به زندان محکوم شده‌اند. طبقه حاکم اما در لحظه کنونی، با اصرار و تعمد، می‌خواهد بازداشت و اخراج و محاکمه کارگران فعال را، به گوش همگان برساند و از این طریق به کارگران در سراسر ایران اولتیماتوم بدهد که هر کارگری اعتراض و اعتصاب کند، با اخراج و بازداشت و دادگاه‌های نظام اسلامی سروکار خواهد داشت. هر کارگری باید این را متوجه شود که این بورژوازی است که قدر قدرت و بی‌هیچ گذشته‌ی طالب نظم خویش است. در پرتو حمایت‌های بی‌دریغ و روزافزون دولت، سرمایه‌داران اکنون از آنجنان اعتماد به نفسی برخوردار شده‌اند، که هر فعال کارگری و هر کارگر آگاه و معترضی را که حرف دفاع از حقوق کارگر بر زبان آورد و یا در این راستا دست به اقدامی بزند، بی‌درنگ اخراج می‌کنند و به دست جلا می‌سپارند. کارفرما هنگام اخراج کارگر حتماً نیازی به ظاهرسازی‌ها و مقدمه‌چینی‌های گذشته و با اجرای به اصطلاح ضوابط "قانونی" اخراج نمی‌بیند و حاضر نیست ولو چند روز، تحقق اراده‌اش یعنی اخراج کارگر به عقب افتد. اگر که سابق بر این، بعد از نظر کارفرما، تصمیم نهایی به هیات‌های تشخیص و حل اختلاف واگذار می‌شد و یکی از شروط اخراج کارگر، ظاهراً نظر مثبت تشکیلات رسمی و "نهاده صنفی" کارخانه بود، اکنون اما بدون طی شدن این مقدمات، کارفرما بی‌معطلی هر فعال کارگری و اعتصاب‌کننده را اخراج، و نه فقط اخراج، بلکه با اعلام شکایت، وسیله بازداشت فوری و زندانی شدن وی را نیز فراهم می‌سازد.

این واقعیتی است که با گسترش اعتصابات و دامنه اعتراضات کارگری، رابطه به ظاهر ناپیدای دستگاه امنیتی با سرمایه‌داران و اتحاد آن‌ها در برابر کارگران نیز علنی‌تر و برای کارگران ملموس‌تر شده است. کارگران چادرملو، در جریان اعتصابات خود، این ارتباط و اتحاد را از نزدیک مشاهده کردند. کارگران در جریان مبارزه علیه کارفرما و با هر اعتصاب خود بیش از پیش به این نکته پی‌می‌برند که دولت، ارگان سیادت طبقه حاکم و حراست‌کننده منافع کارفرمایان و سرمایه‌داران است. ارتباط و اتحاد میان سرمایه‌داران و نهادهای امنیتی و دولتی، تخصص آن با کارگران و تعرض علیه آن‌ها، منحصر به چادرملو و بازداشت و پی‌گرد ۲۸ کارگر این مجتمع نیست. تعرض و سرکوب سازمان یافته علیه کارگران، یک امر سراسری است و توسط بالاترین نهادهای قدرت، سازماندهی، هدایت و حمایت می‌شود. بیهوده نیست که کارفرمای پتروشیمی فجر، کارگران اعتصابی و فعالان اعتصاب را تهدید می‌کند که در صورت ادامه اعتراض، اسامی آن‌ها را به نهادهای امنیتی گزارش می‌کند. بیهوده نیست که بعد از یورش وحشیانه و ضرب و شتم کارگران اعتصاب‌کننده شرکت کیسون، ۱۰۰ تن از کارگران را بازداشت می‌کنند. بیهوده نیست که مدیریت پلی‌اکریل برای ۲۰ تن از فعالان این کارخانه، به خاطر شرکت در تجمعات اعتراضی نامه تهدیدآمیز می‌نویسد. بیهوده نیست که ۸ کارگر پلی‌اکریل ۹ کارگر

سیمان استهبان و فراپاکس و ۵ کارگر سیمان لوشان، بازداشت می‌شوند، مورد تهدید و ارعاب و پی‌گرد دستگاه امنیتی فرار می‌گیرند و یا در دادگاه‌های ارتجاعی رژیم محاکمه می‌شوند. وقتی غلامحسین محسنی اژه‌ای، سخنگوی فوه قضاییه در نشست خبری ۱۴ بهمن، اعتصابات و اعتراضات کارگری را "خلاف نظم عمومی و امنیت ملی" خواند و تهدید کرد که با هر کارگر اعتصاب‌کننده به شدت برخورد خواهد شد، او فقط وظیفه حراست از "نظم" سرمایه، یا کنه روش برخورد و سیاست همیشگی دولت در برابر کارگران را یادآوری نساخت! اژه‌ای فقط تصمیم قاطع طبقه حاکم به زندان و شکنجه فعالان کارگری و تشدید سرکوب کارگران و تامین فضای امن برای سرمایه‌داران را فاش نساخت! "دادستان" کل کشور، در این اولتیماتوم‌ها بی‌آنکه خود بخواد به وحشت رژیم از گسترش اعتصابات کارگری و اعتلاء جنبش طبقاتی کارگران نیز اعتراف کرد.

هراس رژیم از کارگران، از گسترش اعتصابات و اعتلای بیشتر جنبش کارگری یک هراس واقعی است. چرا که دولت روحانی نه فقط هیچ‌گونه راه‌حل و برنامه‌ای برای بهبود شرایط کار و زندگی کارگران ندارد و قادر نیست عمومی‌ترین مطالبات کارگری را برآورده سازد، بلکه تمام برنامه‌ها و عملکرد تاکنون آن، در راستای تشدید استثمار، تحمیل فشار بیشتر، شرایط کاری دشوارتر و تحمیل بی‌حقوقی و فقر و گرسنگی بیشتر بوده است و خواهد بود. عواقب این سیاست‌ها و تشدید فشارها، تشدید و تعمیق نارضایتی در میان کارگران و بروز انفجار و عصیان در میان توده کارگران و تهی‌دستان را در پی خواهد داشت. آینده و نتایج برنامه‌های طبقه حاکم و دولت آن، از برنامه‌های گذشته و به ویژه امروز آن از جمله دعوت روحانی از سرمایه‌داران برای غارت و استثمار کارگران بسیار روشن است. دعوت ملت‌سازانه روحانی از سرمایه‌داران، آن‌طور که خود گفت؛ برای سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری از امکانات اقتصادی و "ذخائر انرژی" و برای "همکاری امنیت‌ساز"! البته حسن روحانی به دعوت خشک و خالی از سرمایه‌داران اکتفا نکرده است. وی در نخستین سفر خود به خوزستان، آبادان و خرم‌شهر را نیز "منطقه آزاد" اقتصادی اعلام کرد. هر کارگر آگاهی این را می‌داند که با عملی شدن این خواست نماینده جناح راست بورژوازی، نه فقط ده‌ها هزار کارگری که در این منطقه مشغول به کار هستند از شمول قانون کار خارج و به دوران شبه‌پرودگی پرتاب می‌شوند، بلکه پیشاپیش به تمام سرمایه‌دارانی که دعوت وی را لبیک گویند، چنین مژده داده می‌شود که آن‌ها مجازند، بدترین و ناامن‌ترین شرایط کار و طولانی‌ترین ساعات کار را بر کارگران تحمیل کنند. دست آن‌ها در استثمار و بهره‌کشی کارگران کاملاً باز است و هیچ‌گونه محدودیت و قید و بند قانونی نخواهند داشت.

قدرت‌ها و شرکت‌های سرمایه‌داری خارجی نیز که بوی خوش مست‌کننده‌ی کار ارزان و کارگر خاموش، مشام‌شان را پر کرده است، برای غارت و استثمار کارگر بی‌حقوق و لگدمال شده ایرانی خیز برداشته و از یکدیگر سبقت گرفته‌اند. تنها از یک کشور اروپایی یعنی فرانسه، صد شرکت بزرگ برای تنظیم قرارداد و حضور فعال در استثمار طبقه کارگر ایران، خود را به تهران رسانده‌اند. سفر هیات کارشناسی صندوق بین‌المللی پول به ایران نیز حاکی از ادامه همین روند است. "تسنیم"، ۱۶ بهمن به نقل از "مارتین سری سولا" رئیس این هیات نوشت؛ هدف این سفر، بررسی شرایط و وضعیت ایران برای سرمایه‌گذاری و ارائه توصیه‌های صندوق بین‌المللی پول به دولت ایران بوده است. سرمایه، البته در جستجوی شرایط امن، کار ارزان و کارگر خاموش است و این همان مزدگانی اهدانی دولت روحانی به سرمایه است.

بر کسی پوشیده نیست که کارگران ایران به لحاظ اقتصادی و معیشتی در شرایط فوق‌العاده دشواری به سر می‌برند. افزایش مداوم قیمت‌ها و رشد فزاینده نرخ تورم که تا ۳۵ درصد آن را دولت رسماً پذیرفته است، قدرت خرید کارگران را بیش از پیش کاهش داده است. با دو برابر رشد قیمت حامل‌های انرژی توسط دولت، قیمت تمام کالاها و خدمات یک‌بار دیگر به طور جهشی افزایش خواهد یافت. کارگران ایران با دستمزدهای ناچیزی که از یک چهارم خط فقر تجاوز نمی‌کند، قادر نیستند حتا ضروری‌ترین نیازهای اولیه زندگی را تامین کنند. میلیون‌ها کارگر و اعضای خانواده‌های کارگری، با فقر و فلاکت فزاینده و گرسنگی مزمن روبرو هستند. با وجود آن‌که تنگناهای معیشتی و فشارهای اقتصادی، هم‌اکنون نیز از محدوده تحمل کارگران فراتر رفته است، اما بورژوازی حاکم به این حدود قانع نیست و در راه کسب سود و انباشت بیشتر سرمایه، فشارها و تعرضات بیشتر و استثمار وحشتناک‌تری را تدارک دیده است تا فلاکت و بدبختی بزرگتری را بر کارگران و خانواده‌های کارگری تحمیل کند.

این‌ها البته خواب‌های بورژوازی و دولت روحانی است، اما طبقه کارگر ایران که آگاهی و همبستگی طبقاتی در صفوف آن پیوسته در حال رشد و ارتقا است، در برابر این سیاست‌ها، فشارها و تعرضات ایستاده، به مقابله و مبارزه با آن برخاسته و خواب خوش استثمارگران را برهم زده است. توده‌های کارگر، نه فقط تحت شرایط حاد اقتصادی و معیشتی و برای نمردن از گرسنگی و بهبود شرایط کار و زندگی و احقاق حقوق خویش در مقیاس نسبتاً وسیعی وارد عرصه مبارزه شده‌اند، بلکه به خاطر گسترش فعالیت‌های آگاه‌گرانه در مقیاس وسیع و عمومی و به صحنه آمدن نسل جدیدی از رهبران عملی و کارگران مبارز و پیشرو، توانسته‌اند به نحو موثری در برابر تعرضات کارفرمایان بایستند و از حقوق خویش دفاع کنند. جنبش کارگری، زنده و پویا و در حال پیشروی است و طبقه کارگر در میدان مبارزه ایستاده است. اعتصابات متعدد و گسترده اخیر کارگران، این واقعیت را به همه سرمایه‌داران

گوشزد کرد. به رخم تهدیدها و بازداشت پی‌درپی فعالان کارگری و رهبران عملی آن‌ها و به رخم اخراج‌های فله‌ای، کارگران دست از مقاومت برنداشته و به اعتصاب و مبارزه برای تحقق مطالبات خود از جمله افزایش دستمزد، حق اعتصاب و تشکل و ضمانت شغلی ادامه داده‌اند. اعتصابات مکرر و مستمر دو هزار کارگر معدن سنگ‌آهن چادرملو، تا آزادی آخرین کارگر زندانی این مجتمع، نمونه بارزی از عزم استوار کارگران برای ادامه مبارزه است.

اعتراضات فزاینده و اعتصابات متعدد و مستمر کارگران در ماه‌ها و هفته‌های اخیر تنها ظلیعه اعتراضات وسیع‌تر و اعتصابات بزرگ‌تری است که طبقه کارگر باید به آن گذر کند و گذر خواهد کرد. اعتصابات کارگری گرچه هنوز پراکنده است اما نوید بخش اعتصابات بزرگ‌تر و متشکل‌تری است که تضمین کننده پیشروی طبقه کارگر است. وقتی سرمایه شمشیر از رو می‌بندد و نمایندگان و سخنگویان آن پیوسته کارگران را تهدید می‌کنند و به طبقه کارگر اولتیماتوم می‌دهند، آن‌ها در واقع وحشت خویش از جنبش طبقاتی کارگران را جار می‌زنند و از ناحیه اعتصابات کارگری، اعتلاء آن و نبردهای آتی طبقه کارگر احساس خطر می‌کنند. ما کارگران این را می‌دانیم و سرمایه‌داران نیز با هزار و یک زبان می‌گویند که نبردهای بزرگی در پیش است. طبقه کارگر باید خود را برای نبردهای بزرگ آماده کند. ما کارگران باید متشکل شویم و ضمن مبارزه برای تحقق مطالبات روزمره، خود را به ابزارهای ضروری رویارویی‌های حاد برای پیروزی در یک نبرد تعیین‌کننده تجهیز کنیم. در گام نخست ما کارگران می‌توانیم و باید مبارزات مشترکی را حول مطالبات مشترک خود سازماندهی کنیم. افزایش دستمزد، حق تشکل و اعتصاب و ضمانت شغلی و خواست‌های دیگری نظیر این‌ها، تنها خواست کارگران چادرملو نیست. در استان یزد و کرمان هزاران کارگر در ده‌ها معدن دیگر این منطقه با خواست‌های مشابهی مشغول به کار هستند. خواست‌های مشخص و مشترک کارگری، زمینه عینی مبارزات مشترک کارگری است. بر کارگران پیشرو است که این خواست‌ها و منافع مشترک کارگران و نیز ضرورت اتحاد و مبارزه مشترک را به میان تمام کارگران و فعالان کارگری ببرند. ما کارگران باید بتوانیم راه‌های عملی پیوند و ارتباط میان کارخانه‌ها و واحدهای مختلف را پیدا کنیم و اعتصابات متحدانه‌تر، متشکل‌تر و گسترده‌تری را تدارک دیده و سازماندهی کنیم.

شرایط کنونی ایجاب می‌کند که کارگران پیشرو و رهبران عملی کارگری، هر تشکلی را که توسط خود کارگران در محیط کار ایجاد می‌شود و از منافع کارگران حمایت و برای تحقق مطالبات کارگران ولو در محدوده‌های قانونی مبارزه و فعالیت می‌کند، تقویت کنند و در راه بسیج و آگاهی و به حرکت درآوردن توده کارگران از آن استفاده نمایند. با این‌همه نباید فراموش کنیم که یکی از مهم‌ترین وظایف ما در شرایط کنونی ایجاد و تکثیر تشکلهایی از نوع کمیته مخفی کارخانه است. کمیته مخفی کارخانه نه فقط ادامه کاری فعالیت کارگران متشکل در آن را تضمین می‌کند و می‌تواند نقش مهمی در سازماندهی اعتصاب و پیروزی آن در هر کارخانه ایفا کند، بلکه از طریق ارتباط فعال میان این کمیته‌ها در کارخانه‌های مختلف است که می‌توان از حد اعتصابات مجزا و پراکنده در این یا آن کارخانه فراتر رفت و به اعتصاب‌های متحد و فراکارخانه‌ای گذر نمود. دیگر وظیفه مبرم ما و هر کارگر آگاه به منافع طبقاتی خود، ایجاد سلول‌ها و هسته‌های کمونیستی و متشکل ساختن کارگران آگاه در هسته‌های سرخ کارخانه است که نطفه‌های تشکیلات اخص کارگری و حزب طبقه کارگر هستند. کارفرما و دولت حامی آن ممکن است با سرکوب و بازداشت و اخراج و یا محاکمه فعالان کارگری و تهدید به تعطیلی کارخانه و ده‌ها ترفند دیگر اعتصابات مجزا در چادرملو، پلی اکريل، ایران تاینر، پتروشیمی، کیسون و سیمان و ده‌ها اعتصاب پراکنده دیگر را با شکست و ناکامی روبرو سازد. اما اگر ما تشکلهای خود را در هر کارخانه و کارگاه ایجاد کنیم، اگر میان این تشکلهای پیوند فعال و مناسبی ایجاد کنیم، در آن صورت قادریم بر پراکندگی‌های موجود غلبه کنیم و با سازماندهی اعتصابات هماهنگ سراسری پیروزی اعتصاب را نیز تضمین کنیم.

امروز هر کارگر آگاه و هر کمونیستی این را می‌داند که اتحاد، تشکل و تحزب طبقه کارگر، حیاتی‌ترین نیاز جنبش طبقاتی کارگران و از ضروریات پیشروی‌های بزرگ طبقه کارگر است. قدرت ما کارگران، در اتحاد و تشکل ماست. پیش به سوی اتحاد! پیش به سوی ایجاد تشکلهای طبقاتی و مستقل کارگری!

نقل از نشریه کار ارگان سازمان فدائیان(ا)